

بررسی عناصر پیرامنی نفعات الانس جامی*

زهرا حاتم پور**

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

عطا محمد رادمش

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

محبوبه خراسانی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده

هر متن به وسیله پیرامتن‌ها با ذهن مخاطب و جهان بیرون ارتباط برقرار می‌کند. نفعات/انس از جمله آثار منثور جامی است که قابلیت بررسی پیرامنی را داراست. در پژوهش حاضر پیرامتن‌های نفعات/انس شناسایی و مطابق با نظریه ژنت به دو دسته تقسیم و بررسی گردید. عناصر درونی و بیرونی پیرامتن در نفعات/انس به شکلی متناسب و سازوار با متن اصلی شکل گرفته‌اند. هر یک از این پیرامتن‌ها با ارائه اطلاعاتی درباره متن اصلی، از طرفی فهم و دریافت مخاطب را عمق می‌بخشد و از سوی دیگر مخاطب را در چگونگی استفاده از این اثر راهنمایی می‌کنند. این عناصر از جانب اشخاص گوناگون اعم از مؤلف، کاتب، ناشر، مصحح و دیگر منتقدان، پژوهشگران و نویسندگان خلق شده‌اند که از میان این همه، مؤلف و مصحح نقشی بسزا در خوانش متن این کتاب داشته‌اند. دیگر پیرامتن‌ها نیز که به وسیله منتقدان، محققان و نویسندگان در قوالب گوناگون عرضه شده است امکان ارتباط بیشتر با متن و نقد و تبلیغ آن را فراهم نموده است. بیشترین و مهم‌ترین پیرامتن‌های بیرونی نفعات/انس به زمان نزدیک به تألیف این کتاب بازمی‌گردد.

واژه‌های کلیدی: نفعات/انس، جامی، پیرامتن درونی، پیرامتن بیرونی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰

*تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۰۲/۰۲

**E-mail: hatampoor1@gmail.com

۱. مقدمه

بینامتنیت از اصطلاحات رایج در نظریه‌های ادبی و زبان‌شناسی و بیانگر این اصل است که متن، نظامی مستقل و خودبسنده نیست بلکه پیوندی دوسویه و تنگاتنگ با دیگر متون دارد. این واژه را نخستین بار ژولیا کریستوا در سال ۱۹۶۰م. برای هر نوع ارتباط میان متن‌های گوناگون مطرح کرد. البته وضع این واژه پیش‌زمینه‌هایی داشت که آراء میخائیل باختین همچون گفتگومندی و چندصدایی از جمله آن‌هاست. پس از کریستوا نیز بارت، ژنی و ریفاتر در گسترش و تکامل این نظریه نقش بسزایی داشتند. ژرار ژنت گسترده‌تر و نظام‌یافته‌تر از نظریه پردازان پیشین به بررسی روابط میان متون پرداخت. او برای مجموعه این روابط واژه «ترامتنیت» را برگزید و این روابط را به پنج دسته تقسیم کرد: ۱. بینامتنیت ۲. پیرامتنیت ۳. فرامتنیت ۴. سرمتنیت ۵. بیش‌متنیت. موضوع پژوهش حاضر قسم دوم ترامتنیت است (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۴).

برای ورود به جهان متن همواره باید از ورودی‌ها و آستانه‌هایی گذر کرد. این آستانه‌ها همان پیرامتن‌ها هستند. اگر اصل آفریده‌شده هر متن ادبی را به‌عنوان یک کانون و مرکز در نظر بگیریم، توسط متن‌های دیگری احاطه شده است و خواننده برای دستیابی به این متن مرکزی ملزم به عبور از این پیرامتن‌هاست (Genette, 1978:7). به نظر ژنت هر متن به‌وسیله پیرامتن‌ها با اذهان مخاطبان و جهان بیرون ارتباط برقرار می‌کند (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۹۰). ژنت در مقدمه کتاب *آستانه‌ها* که آن را به پیرامتنیت اختصاص داده است این‌چنین می‌نویسد: «اثر ادبی به‌طور انحصاری یا اساسی بر یک متن بنا شده است؛ یعنی (تعریف بسیار کوتاه) بر یک تداوم کمابیش بلند سخن‌های کلامی همانند نام مؤلف، عنوان، پیش‌درآمد و تصاویر می‌آید» (همان‌جا).

در واقع هیچ متنی به‌صورت عریان در اختیار خوانندگان قرار نمی‌گیرد و همواره عناصر و واژه‌هایی همچون ورودی و آستانه، متن را در برمی‌گیرند که برای ورود به جهان متن باید از آن‌ها گذر کرد و برداشت اولیه خواننده از هر متنی پیش از ورود به آن متکی به این پیرامتن‌هاست. در واقع پیرامتن‌ها دستاویزهایی هستند که نمی‌توان آن‌ها را به‌صراحت بخشی از متن اصلی تلقی کرد، اما به‌هرروی دربرگیرنده، تداوم‌بخش و تکمیل‌کننده متن کانونی‌اند (Genette, 1978:8). پیرامتن شامل همه آن مواردی است که هرگز مشخصاً متعلق به متن یک اثر نیست بلکه در شکل دادن آن اثر در قالب یک کتاب سهیم است (غفاری، ۱۳۹۴: ۸۷).

در اهمیت پیرامتن‌ها می‌توان گفت که مؤلفه‌هایی مانند عنوان، مقدمه، پیشگفتار، مطالب مثبت و منفی منتقدان و پژوهشگران دربارهٔ متن یا حتی ناشر و اعتبار او از جمله پیرامتن‌ها به شمار می‌رود که سبب می‌شود افق انتظاری در خواننده ایجاد شود.

پیرامتن از این دست مفاهیم است که بخش‌های مغفول ماندهٔ متون را برجسته می‌نماید و ارزش ادبی تاریخی آن را به وضوح نشان می‌دهد. لایه‌های زیرین این پیرامتن‌ها، بسیاری از مسائل را روشن کرده و در پرتو آن، پرسش‌های بی‌پاسخ به جواب می‌رسد و یا پرسش‌هایی جدید مطرح می‌شود که همین امر موجب پویایی و رشد علوم و تداوم حیات آن است (پیرانی، ۱۳۹۵: ۱۶۹). ژنت مجموعهٔ پیرامتن‌ها را به دو دسته کلی: درون‌متن و برون‌متن تقسیم کرده است. پیرامتن درونی که می‌توان آن را پیرامتن پیوسته نیز نامید، پیرامنتی است که به‌طور مستقیم و بی‌واسطه با متن اصلی و کانونی مرتبط و به آن پیوسته است. این گونه پیرامتن‌ها توضیحاتی را در مورد متن ارائه می‌دهند که گاهی بدون این توضیحات نمی‌توان به متن دست یافت. پیرامتن‌های درونی یا پیوسته در یک اثر کتابی عبارت‌اند از: عنوان، عنوان دوم، زیرعنوان (عنوان فرعی)، زیرعنوان، عنوان‌های میانی، اندازهٔ کتاب، طرح روی جلد، مجموعه، پیشکش‌نامه، شناسنامه، مقدمه، پی‌نوشت، و... پیرامتن‌های درونی به‌نوبهٔ خود به سه دسته قابل تقسیم هستند: ناشری، مؤلفی، شخص دیگر (نامورمطلق، ۱۳۸۶: ۹۱). پیرامتن‌های بیرونی آن دسته از پیرامتن‌هایی هستند که به‌صورت ناپیوسته و منفصل با متن قرار دارند و به‌طور غیرمستقیم با متن اصلی مرتبط می‌شوند و امکان فهم متن و ورود به آن و بیشتر از آن تبلیغ یا نقد متن را فراهم می‌کنند. پیرامتن‌های بیرونی دارای تنوع و گوناگونی بیشتری است، چنانکه می‌توان آن را به دو بخش بزرگ تقسیم کرد: پیرامتن‌هایی که توسط مؤلف و ناشر برای جلب مخاطب خلق شده است؛ پیرامتن‌هایی که توسط دیگر اشخاص همانند گزارشگران، منتقدان و مؤلفان دیگر شکل گرفته است (همان: ۹۲).

نفعات الانس من حضرات القدس از آثار منشور عبدالرحمان جامی به فارسی است که در سال ۸۸۱ ه. ق. به خواهش امیر علیشیر نوایی به آن پرداخته و در سال ۸۸۳ ه. ق. به پایان برده است. این کتاب مشتمل است بر شرح احوال ۶۱۶ تن که از این میان ۵۸۲ تن از رجال بزرگ صوفیه و ۳۴ تن از زنان عارف می‌باشند. پیرامتن‌هایی درون و بیرون این اثر شکل گرفته است که کشف و بررسی آن‌ها موضوع پژوهش حاضر قرار گرفته است. شناسایی و تحلیل این آستانه‌ها می‌تواند راهگشای

خوانش متن باشد. مقاله حاضر در پرتو شناسایی و معرفی پیرامتن‌های درونی و بیرونی *نفحات‌الانس* جامی به تشریح نقش آن‌ها در خوانش متن این اثر بزرگ ادبی می‌پردازد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های گوناگونی با محوریت موضوع «پیرامنتیت» در متون مختلف به انجام رسیده است. از جمله:

سلیمی کوچی در بررسی عناصر پیرامنتی مثنوی، نظیر دیباچه‌ها، عناوین منثور و پیش‌گویی (ابیات آغازین) این کتاب، کارکردهای این پیرامتن‌ها را مورد مطالعه قرار داده است. در واقع آنچه در این مقاله مورد پژوهش واقع شده پیرامتن‌های درونی مثنوی است. این پژوهش تمامی این عناصر پیرامنتی را در جهت کمک به تکمیل معنای متن اصلی مؤثر دانسته است (سلیمی کوچی، ۱۳۹۶). مقاله دیگر در این باره را روضاتیان و طالبی با عنوان *بررسی پیرامتن‌های غیرمؤلفی و بیرونی تذکره‌الاولیاء* انجام داده‌اند که در آن به معرفی مختصر پیرامتن‌های بیرونی و غیرمؤلفی *تذکره‌الاولیاء* بسنده کرده‌اند (روضاتیان و طالبی، ۱۳۹۷).

پژوهشی دیگر با عنوان *تأثیر پیرامتن‌ها در شکل‌گیری یا تحریف معنای متن، بررسی دوگانگی رمان شطرنج با ماشین قیامت از دریچه پیرامتن‌ها*، به بررسی پیرامتن‌های درونی و بیرونی این اثر و تقابل و دوگانگی آن‌ها پرداخته است (غفاری، ۱۳۹۴).

درباره *نفحات‌الانس* جامی تاکنون پژوهش‌هایی صورت گرفته و پژوهشگران از جنبه‌های گوناگون به این اثر پرداخته‌اند؛ که البته هیچ‌کدام، از دیدگاه نظریه‌های جدید نبوده است و اغلب به بررسی ویژگی‌های زبانی خاص یا طبقه‌بندی موضوعی حکایات و اقوال آن پرداخته‌اند؛ مانند مقاله‌ای که خاتمی در آن به ویژگی‌های زبانی جامی در *نفحات‌الانس* پرداخته است (خاتمی، ۱۳۸۶) یا پایان‌نامه‌ای با عنوان *بررسی درون‌مایه‌های ادبیات عامیانه در حکایت‌های عرفانی نفحات‌الانس* (دلیر، ۱۳۹۶). تا به حال رابطه پیرامنتی این اثر مورد بررسی قرار نگرفته و از این حیث پژوهش حاضر دارای دستاوردهای منحصر به خویش است.

۲. پیرامتن‌های نفحات الانس

۲-۱. پیرامتن‌های درونی

این دسته شامل پیرامتن‌هایی می‌شود که همراه با متن اصلی در مجموعه‌ای با نام کتاب *نفحات الانس* در اختیار خوانندگان قرار گرفته است. پیرامتن‌های درونی *نفحات الانس* را می‌توان به مؤلف، ناشر، کاتب و مصحح نسبت داد.

۲-۱-۱. پیرامتن‌های مؤلفی

جامی از نویسندگان پرکار در ادبیات کلاسیک فارسی محسوب می‌شود و به درستی اقتضای حال مخاطب را تشخیص داده است از این رو پیرامتن‌هایی که از جانب او در ارتباط با متن اصلی شکل گرفته، روشنگر و گویاست. پیرامتن‌های مؤلفی *نفحات الانس* از این قرار است: عنوان اصلی کتاب، زیرعنوان، مقدمه جامی بر *نفحات الانس*، خاتمه، پشت‌نوشته *نفحات الانس*.

۲-۱-۱-۱. عنوان اصلی کتاب

اولین پیرامتن شکل‌دهنده به معنای متن، نام اثر است. عنوان یک اثر از شناخته‌شده‌ترین عناصر پیرامنتی متن ادبی و هنری محسوب می‌شود. در مطالعات فرهنگی و ادبی معاصر، عنوان یک اثر ادبی و هنری، مورد مطالعه و بررسی شاخه مستقلی به نام «عنوان‌شناسی» قرار گرفته است (سلیمی کوچی، ۱۳۹۶: ۲۵۱). عنوان، آستانه ورود به متن است و مخاطب برای ورود به فضای متن به اجبار باید از این آستانه عبور کند. به همین دلیل هرچه عنوان زیاتر و رساتر باشد، گذر از آستانه و ورود به متن با موفقیت بیشتری صورت می‌گیرد (برامکی، ۱۳۹۴: ۷۴). مؤلف باید نامی برای اثر انتخاب کند که خواننده با دیدن آن دریابد که موضوع کتاب چیست (پورجوادی، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

عنوان اصلی این کتاب - *نفحات الانس من حضرات القدس* - مرکب از چندین واژه است. نخستین کلمه «نفحات» است که جمع نفعه، بوی‌های خوش معنا شده است (فرهنگ فارسی معین، ذیل نفحات). «انس» نیز به معنای خو گرفتن، مؤلفت، آرامش و اثر جمال حق در قلب بنده آمده است. «حضرات» جمع حضرت، در اصل مصدر مجرد عربی است در معنای قرب، حضور، آستانه درگاه، کلمه‌ای است که برای احترام پیش از نام قدیسان و بزرگان می‌آید (همان، ذیل حضرت). قدس نیز به معنای پاکی و بهشت است.

اگرچه جامی بیانی مجازی در کاربرد این عنوان برگزیده است، اما برای خواننده آگاه با معانی این واژگان، وجه تسمیه این اثر چندان مبهم نیست. جامی، انفاس معطر مشایخ را که مجاز از سخنان

آن‌هاست، پاک و معطر می‌داند و به بهشت نسبت می‌دهد. این پاکی و قداست، حاصل مؤانست با حق است. این عنوان چندان گویای موضوع و محتوای کتاب است که پس از جامی مورد تقلید بسیاری از تذکره‌نویسان عرفانی واقع شده است به گونه‌ای که در نام‌گذاری اثرشان از هر کدام از واژگان این عنوان بهره گرفته‌اند. از طرف دیگر جامی با توضیح این نکته در مقدمه، نقطه ابهامی در ذهن مخاطب اثرش باقی نگذاشته است؛ چون مشتمل بر نفحات انفاس طیبه مشایخ که از حظایر قدس رسیده و از مشام جان مشتاقان محاضر انس وزیده، آن را به *نفحات الانس من حضرات القدس* مسمی نموده است (جامی، ۱۳۷۰: ۲).

۲-۱-۱-۲. زیرعنوان

نفحات الانس از جمله متون صوفیانه‌ای است که باب‌بندی آن بر اساس نام مشایخ صورت گرفته است و همین امر سبب شده تا در گونه سرگذشتنامه‌های عرفانی جای گیرد؛ یعنی عنوان هر بخش نام عارفی است که گزارش احوالش در کتاب آمده است. در این کتاب ۶۱۸ گزارش ذیل نام این مشایخ آمده است. این گزارش‌ها در دو بخش تقسیم‌بندی شده است. نخستین بخش شامل گزارش مردان عارف است که جامی برای آن عنوان خاصی ذکر نکرده است و بخش دوم با عنوان «فی ذکر النساء العارفات الواصلات الی مراتب الرجال» شامل گزارش احوال ۳۴ زن عارف است. با ذکر «مراتب الرجال» در این عنوان مشخص می‌شود که بخش نخست کتاب شرح احوال مردان عارف بوده است. این شیوه تبویب مراجعه مخاطب به کتاب برای جست‌وجوی احوال و اقوال اشخاص را آسان کرده است؛ در مقایسه با آثاری که موضوعی باب‌بندی شده‌اند، به‌ویژه این که گزارش احوال زنان و مردان عارف در دو بخش مجزا سازمان‌دهی شده است.

۲-۱-۱-۳. مقدمه جامی در *نفحات الانس*

مقدمه یکی از دروازه‌های ورود به متن و پلی است میان نویسنده و خواننده که معمار آن نویسنده است تا مسیر را برای ورود خواننده به متن هموار سازد. پس نویسنده بنا بر اقتضای حال مخاطب خود و بسته به شرایط زمانی، اجتماعی، سیاسی و نوع ادبی که اثر به آن تعلق دارد به نگارش مقدمه می‌پردازد. ساختار و قالب مقدمه در متون کلاسیک ادب فارسی با وجود شباهت‌ها، ویژگی‌های منحصر به فردی به خود می‌گیرد.

سطور آغازین هر کتاب، جایی که نویسنده هنوز وارد بحث اصلی متن نشده است، در فهرست‌نویسی با عنوان «مقدمه» شناخته می‌شود. مقدمه در لغت به معنای اول چیزی، قسمت جلوی

لشکر، حادثه، واقعه، آغاز و شروع کار (فرهنگ فارسی معین، ذیل مقدمه) و در اصطلاح ادب «نوشته‌ای است که در آغاز کتاب، رساله، مقاله و مانند آن می‌آید و معمولاً در آن به معرفی موضوع و روش کار می‌پردازند» (فرهنگ بزرگ سخن، ذیل مقدمه). بعضی آن را با دیباچه که در لغت به معنای رخسار و روی و چهره و عارض و در اصطلاح به معنای خطبه و سرآغاز و عنوان کتاب به کار می‌رود یکی می‌دانند زیرا در تعریف تمایزی بین آن‌ها دیده نمی‌شود چراکه دیباچه کتاب به منزله روی آن است (سجادی، ۱۳۷۲: ۸).

بعضی از پژوهشگران دیباچه را از مقدمه جدا دانسته‌اند. پورجوادی معتقد است که دیباچه جزو کتاب است، ولی هرگز نمی‌توان آن را جزو بدنه اصلی آن قلمداد کرد؛ از این رو با مقدمه کتاب فرق دارد. مقدمه مدخل بحث است، اما دیباچه مدخل بحث نیست (پورجوادی، ۱۳۸۳: ۱۲۴). بعضی دیگر نیز با این عقیده مخالف‌اند و بر این باورند که «تعریف بالا در زمان ارائه مصداق، عینیت پیدا نمی‌کند و قادر به تفکیک دیباچه و مقدمه نیست. بنا بر باور برخی، جدا تصور کردن این دو مفهوم ناشی از تقسیم‌بندی‌های پژوهشگران جدید است و اصولاً «در ذهن ادبای پیشین تفاوتی میان آن‌ها نبوده است» (رشتیانی، ۱۳۹۰: ۳۸). شاید ریشه این اختلاف نظر در این است که در اغلب کتب قدیم تنها یک بخش به عنوان پیش‌زمینه‌ای برای ورود به بدنه اصلی نوشتار وجود داشته است، اما باید گفت که در بعضی کتب قدیم دیباچه‌ای هست و پس از آن مقدمه‌ای که مطالب دیگر در آن مقدمه آورده شده، مثلاً تذکره‌الشعراى دولت‌شاه سمرقندی، دیباچه‌ای دارد و پس از آن مقدمه‌ای که در تذکره شعراى عرب نوشته است (سجادی، ۱۳۷۲: ۹).

دیباچه‌نویسی از ابتدا عناصر و قالب‌های نسبتاً ثابتی داشته است. پژوهشگران درباره این ساختار کلی سخن‌ها گفته‌اند. ضیاء‌الدین سجادی دیباچه کتب قدیم را پس از حمد و ستایش خداوند و مدح پیامبر و امامان و بزرگان دین شامل هشت مطلب می‌داند که به آن «رئوس ثمانیه» می‌گفتند که عبارت بود از: اول غرض علم. دوم منفعت آن علم. سوم عنوان کتاب. چهارم مؤلف کتاب. پنجم از کدام علم است. ششم کدام مرتبه از مراتب علوم است. هفتم ابواب آن علم. هشتم طریق تعلیم آن علم (همان‌جا).

اگر هر نویسنده‌ای طرح از پیش تعریف شده‌ای برای نگارش اثر خود داشته باشد، مقدمه می‌تواند نموداری از این طرح باشد. پس مقدمه کتاب به مثابه یک طرح ذهنی و پیشنهاد یک اثر پژوهشی، متناسب با زمان تألیف و موضوع خود می‌تواند دارای ساختاری خاص باشد. اگر مقدمه این کتاب

را در حکم مقدمه یا پیشنهادهٔ یک اثر پژوهشی در نظر بگیریم، خواهیم دید که مؤلف چه هوشمندانه مطالب مندرج در این بخش را سازمان‌دهی کرده است به گونه‌ای که همه بخش‌های لازم برای یک پیشنهاد را داراست.

مقدمه‌ای را که جامی بر *نفحات‌الانس* نوشته است، می‌توان به سه بخش تقسیم نمود. بخشی که از زبان خود جامی پیرامون انگیزه‌ها و بواعث و روش نگارش اثرش است: «آنچه معلوم شود به عبارتی که متعارف روزگار است در بیان آرد... از کتب معتبرهٔ دیگر سخنان چیده و معارف سنجیده اضافه آن کرده... داعیهٔ قدیم صورت تجدید یافت و دغدغهٔ سابق سمت تقویت و تأکید پذیرفت...» (جامی، ۱۳۷۰: ۲).

بخش دیگر که بیشتر از دیگر منابع گرفته شده است، به توضیح بعضی مفاهیم عرفانی که جامی شناخت آن‌ها را لازمهٔ ورود به متن می‌داند، اختصاص دارد: «ولایت مشتق است از ولی که قرب است... معرفت عبارت است از بازشناختن معلوم مجمل در صور تفصیل... زهاد طایفه‌ای باشند که به نور ایمان و ایقان جمال آخرت مشاهده کنند و دنیا را در صورت قبح معاینه بینند و از التفات به زینت مزخرف فانی او رغبت بگردانند و در جمال حقیقی باقی رغبت نمایند...» (همان: ۳).

بخش سوم که گویی در ادامهٔ بخش نخست است و جامی در آن با استناد به قرآن، حدیث، شعر و اقوال مشایخ فواید نوع کتابش را - که سرگذشتنامهٔ عارفان است - برمی‌شمارد: «باشد که مطالعه کنندگان را از مطالعه و ملاحظهٔ آن یقینی نسبت به این طایفه حاصل شود، و هدیانات جماعتی که نفی کرامات و مقامات این طایفه می‌کنند در ایشان سرایت نکند و از غایلهٔ غوایت آن جماعت محفوظ مانند» (همان: ۲۳).

اگرچه خود جامی این بخش‌ها را تحت عناوین مختلف از هم تفکیک نکرده اما بر اساس تعاریف ارائه شده از مقدمه و دیباچه، می‌توان گفت بخش اول و ادامهٔ آن در حکم دیباچهٔ کتاب است که مدخل بحث نیست و بخش دیگر که همان توضیح مفاهیم نظری است مقدمهٔ *نفحات‌الانس* است؛ به این معنا که *نفحات‌الانس* هم مانند تعدادی از کتب قدیم هم دیباچه و هم مقدمه دارد.

آغاز سخن در مقدمه، خطبه‌ای عربی است. این خطبهٔ آغازین که در اصطلاح ادبی تحمیدیه نامیده می‌شود و ممکن است در نگاه اول بی‌اهمیت جلوه کند، موضوع بسیاری از پژوهش‌ها قرار گرفته است. این بخش که خود در حکم مقدمهٔ مقدمه به حساب می‌آید شامل ستایش خداوند و نعت پیامبر اسلام و منقبت اولیا و پیشوایان دین است. تحمیدیه‌ها نمونه‌های کامل از نثر فنی و

مصنوع و مسجّع و درعین حال تابع تحوّل سبک نثر هر دوران است (رک. ستوده و نجف‌زاده بارفروش: ۱۳۶۵). تحمیدیه‌ها در ادب فارسی هم در مقدمهٔ دواوین و منظومه‌ها - که عموماً بستری حسی و عاطفی دارند- و هم در آثار منثور که موضوعاتی، علمی، فلسفی تعلیمی، تاریخی، عرفانی و... دارند، زینت‌بخش آثار شده‌اند (حسن‌پور و عباسی مقدم، ۱۹:۱۳۹۲).

جامی در ابتدای دیباچهٔ نفعات در چهار سطر به زبان عربی در خطبه‌ای موجز و روان به سپاس و ستایش خداوند به‌عنوان خالق اولیاء و پس از آن نعت پیامبر (ص) به‌عنوان مقتدای عرفا پرداخته بر او و خاندان و پیروان و پیرو پیروانش درود می‌فرستد. کاربرد واژگان و ترکیباتی مانند: «مرائی قلوب اولیائیه، مجالی جمال وجهه الکریم، نُوره القدیم، حُجب الکوّن، الوُجُودِ...» (جامی، ۱:۱۳۷۰) که متعلق به حوزهٔ عرفان است در خطبهٔ نفعات/الانس می‌تواند گواه صنعت بدیعی «براعت استهلال» باشد که در آن نویسنده به تناسب موضوع کتاب عباراتی در دیباچه می‌آورد که خواننده را به موضوع اصلی رهنمون می‌سازد.

دیباچهٔ جامی علاوه بر ستایش، که ذکر آن رفت، شامل فصل الخطاب است. فصل الخطاب عبارت از است از ذکر کلمه «اما بعد» مخفف «اما بعد الحمد و الصلاه» که بسیاری از مؤلفان به تقلید از نویسندگان تازی پس از خطبهٔ توحید و نعت رسول اکرم (ص) بلند باشد یا کوتاه آن را به کار برده (سجادی، ۱۰:۱۳۷۲).

امروزه معمولاً نام نویسنده را در دیباچه یا متن کتاب نمی‌آورند. در گذشته دیباچه محلی بوده است تا ایشان در فکر احقاق حق خویش باشند. حکمت ذکر نام مؤلف در دیباچهٔ کتاب را هجویری در مقدمهٔ کشف‌المحجوب که از امهات کتب عرفانی فارسی است به‌خوبی شرح داده است: اول این که عده‌ای نادان نمی‌توانند از کتابی بی‌نام سوء استفاده کرده، خود را نویسندهٔ کتاب معرفی کنند و با ثبت نام نویسنده در جای‌جای کتاب همواره نام نویسنده کتاب زنده می‌ماند. دوم این که وقتی همه مؤلف کتاب را بشناسند که به فن و علم کتاب عالم بوده ارزش کتاب هم بالاتر خواهد رفت و خواننده بر یاد گرفتن آن به‌جدتر خواهد بود (ر.ک. هجویری، ۱:۱۳۹۰)؛ یعنی ذکر اسم مؤلف فقط به نفع نویسنده نیست بلکه به نفع خود خواننده است (پورجوادی، ۱۳۸۳:۱۳۱).

نقطهٔ آغاز مقدمهٔ نفعات/الانس پس از نام خدا معرفی نویسنده است. وی خود را در عبارتی مسجع «پای بستهٔ زاویهٔ خمول و گمنامی، عبدالرحمان احمد الجامی» معرفی می‌کند. جامی هم مانند بسیاری از نویسندگان دیگر جانب احتیاط را رعایت کرده و برای ماندگاری نام خویش هم در

مقدمه و هم در خاتمه کتاب نام خود را به ثبت رسانده است. جامی قبلاً این عبارت را در اواخر *نقدالنصوص* که از آثار نخستین اوست هم آورده است (جامی، ۱۳۷۰:۶۳۷).

نویسنده به نحوی به منابع پیشین که در تألیف اثرش دخیل بوده است اشاره کرده است. نقطه آغاز بحث در مقدمه *نفحات الانس*، *طبقات الصوفیه* است که سلمی در بیان سیر و احوال مشایخ طریقت در پنج طبقه جمع کرده است. جامی به معرفی کامل این کتاب و سپس *طبقات الصوفیه انصاری* می‌پردازد و پس از توضیح روش تألیف آن‌ها، نواقص و کاستی‌های موجود را روشن می‌کند تا مقدمه را برای بیان ضرورت و اهمیت پژوهشی جدید در این زمینه - که همان *نفحات الانس* است - فراهم کند (جامی، ۱۳۷۰:۲).

جامی به‌طور مستقیم یک‌به‌یک فواید مطالعه احوال مشایخ را برای خوانندگان اثرش برمی‌شمارد و به آن‌ها می‌نماید که سخنان آنان تعالیم عملی راه سلوک است. این فواید عبارت‌اند از: ایجاد یقین و نفی هذیان‌نافیان کرامات و مقامات این طایفه در ذهن خواننده، ثبات و عزم و صبر خوانندگان، تربیت دل‌میردان، ایجاد دوستی با صاحبان سخن و به تبع آن ایجاد نسبت با ایشان، شناختن تقصیر خود در جنب کردار ایشان و پرهیز از عجب و ریا.

او در بیان هر فایده با نقل قولی عقیده‌اش را مؤکد می‌گرداند. یکجا با آیه‌ای از قرآن، جای دیگر با سخنی از رسول اکرم (ص) و همچنین با اشعار و ضرب‌المثل و اقوال مشایخ او حکایات و اقوال مشایخ صوفیه را هم‌مرتبه قصص انبیا در کلام الهی با ارزش و مایه عبرت می‌داند و در این جهت است که هم به آیه‌ای از کلام الهی و هم سخن رسول اکرم و پس از آن سخنان دیگر مشایخ استشهد کرده تا به شیخ‌الاسلام می‌رسد که منظور همان خواجه عبدالله انصاری است و از این بابت نقطه ابهامی در ذهن مخاطب باقی نمی‌گذارد.

جامی که خود را ادامه‌دهنده راه *طبقات الصوفیه* می‌داند با وجود ارزش و احترامی که برای این کتاب قائل است اما آن را پاسخگوی نیازهای عصر خود نمی‌داند و به عقیده او «این کتاب باید روزآمد شود» (اگل، ۱۳۷۹:۱۷۹). با وجود این داعیه‌های درونی باز هم تا مدت‌ها جامی دست به تألیف اثرش نمی‌زند. تا این که استدعای امیر علیشیر نوایی مزید بر علت می‌شود و علاقه جامی به نوشتن *نفحات الانس* که مدت‌ها به آن فکر می‌کرده و عوایقی مانع می‌شده جامه عمل می‌پوشد. جامی ضمن آوردن نام امیر علیشیر نوایی از او با صفات محب‌درویشان، معتقد معتقد ایشان، از همه شغل سیر، بر فقر دلیر یاد می‌کند. اگرچه نظامی عروضی در مقدمه چهارمقاله، ثناء مخدوم و ستایش

امرا و سلاطین را رسمی کهن در دیباچه‌نویسی می‌داند اما اغلب نویسندگان صوفی هیچ‌گاه زیر بار این رسم نرفتند. پس باید بر انگیزه‌های معنوی و درونی جامی یک سفارش شخصی را نیز افزود. درباره‌ی روش جامی در نگارش *نفحات الانس* بنا بر آنچه خود در مقدمه آورده باید گفت روشی التقاطی از کتب معتبره‌ی پیشین است به این صورت که آنچه در طبقات‌الصوفیه آمده و معمول روزگار جامی است را در کتاب خویش آورده و آنچه را که نامفهوم و در نظر جامی زواید است، حذف کرده است. همچنین از دیگر کتبی که معتبر بوده، سخنان و معارفی را گلچین کرده به کتاب خویش منضم گردانیده است (جامی، ۱۳۷۰: ۲)؛ تا کتابی بسازد که شکل جامع و کامل و روزآمدشده همان *طبقات‌الصوفیه* باشد.

جامی از افرادی که شرح حالشان را آورده نامی نمی‌برد. وی به تصریح اعلام می‌کند که آنچه در این کتاب مذکور خواهد شد اسامی بسیاری از مشایخ طایفه‌ی صوفیه خواهد بود به انضمام تاریخ ولادت و وفات، سیر، احوال، معارف، کرامات و مقامات آن‌ها.

جامی با اشاره‌ای که به *طبقات‌الصوفیه* داشته است، منکر وجود کتابی در این نوع نیست بلکه نوآوری خود را در تألیف کتابی می‌داند که در نوع خود مرجعیت داشته باشد به این معنا که در روزگار جامی کتابی که جامع احوال تعداد زیادی از مشایخ متقدم، معاصر و متأخر شیخ‌الاسلام در آن باشد و به زبان فارسی روان هم باشد موجود نبوده است؛ چراکه بنا بر سخن او در دیباچه کتب موجود جامعیت لازم را نداشته است: «مقتصر است بر ذکر بعض متقدمان، و از ذکر بعضی دیگر و از ذکر حضرت شیخ‌الاسلام و معاصران وی و متأخران از وی خالی است، بارها در خاطر این فقیر می‌گشت که به قدر وسع و طاقت در تحریر و تقریر آن کوشش نماید» (جامی، ۱۳۷۰: ۲).

هر پژوهشی دارای مجموعه‌ای از مفاهیم نظری است. موضوع اقوال و حکایات مشایخ صوفیه که بر حول محور مفاهیم عرفانی می‌گردد نیز به مفاهیم نظری در این زمینه نیازمند است. جامی پس از بخش اول دیباچه، مقدمه‌ای در شرح اصطلاحات صوفیه دارد که عناوین آن عبارت است از: ولایت و ولی، معرفت و عارف و متعرف و جاهل، صوفی و متصوف و ملامتی و فقیر، توحید، ارباب ولایت، معجزه و کرامت، اثبات کرامت اولیاء، انواع کرامات، وجه تسمیه‌ی صوفیه. منبع جامی در این مقدمه کتب مختلف از جمله *مصباح‌الهدایه*، *رساله‌ی قشیریه*، *تفسیر کبیر فخر رازی*، *دلایل النبوه*، *کشف‌المحجوب*، *فتوحات مکیه*، *قدسیه‌ی خواجه محمد پارسا* و... بوده است (ر.ک. جامی، مقدمه‌ی عابدی، ۱۳۷۰). اکثر این مطالب عیناً از منبع نقل شده‌اند. جامی با تمهید این بخش به عنوان مقدمه و

مدخل متن کتاب، پیش‌زمینه اطلاعات لازم را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند و به پرسش‌های احتمالی خواننده که ممکن است در خلال مطالعه مطالب کتاب از اصطلاحات عالم عرفان پیش بیاید یا موجب هذیان‌ات منکران شود، پاسخ داده است. جامی در این مقدمه از کلیدی‌ترین واژگان به کاررفته در متن نیز نام برده است. منظور از واژه‌های کلیدی در مقدمه *نفحات الانس* واژگانی است که جامی از آن‌ها نام می‌برد و کتابش بر محوریت آن‌ها شکل گرفته است: تاریخ ولادت و وفات، سیر، احوال، معارف، کرامات، مقامات.

۲-۱-۱-۴. خاتمه

همان‌طور که آغاز یک نوشته یا رساله از اهمیت بالایی برخوردار است، چگونگی ختم آن نیز مهم و تأثیرگذار است. می‌توان وجود چنین بخشی را در پایان کتاب تلاشی در جهت حفظ حقوق نویسنده و خواننده کتاب دانست. زیرا هم عنوان کتاب بار دیگر در آن درج شده تا در اعصار بعد از حیات مؤلف امکان کاستن یا افزودن بخشی از نسخه کمتر باشد. چه بسا پیش آمده که در بسیاری از نسخ بخشی از ابتدا یا انتهای آن‌ها در دوره‌ای از زمان جدا و سپس مفقود شده است و با وجود نشانی در ابتدا یا انتهای نسخه بازشناسی آن امکان‌پذیر بوده است. جامی در این خاتمه، *نفحات الانس* را شامل احوال و اخلاق و افعال و بیان مقامات گروهی می‌داند که برای آنان ویژگی‌هایی برمی‌شمارد. او با این مطالب بر محتوای کتاب که در مقدمه هم از آن سخن گفته بود صحنه می‌گذارد. جامی در دو بیت به تاریخ اتمام کتابش در سال ۸۸۳ ه. ق. اشاره کرده است.

۲-۱-۱-۵. پشت‌نوشته *نفحات الانس*

از دیگر پیرامتن‌هایی که جامی موجد آن است، «پشت‌نوشته *نفحات الانس*» می‌باشد. مطلبی ذیل عنوان «*ان لربکم فی ایام دهرکم نفحات*» در صفحه آغازین کتاب چاپ‌شده *نفحات الانس* مصحح عابدی دیده می‌شود و در پاورقی در توضیح آن نوشته شده است که جامی بر پشت نسخه خطی *نفحات الانس* این چنین نوشته است. این صفحه با سه بیت عربی آغاز شده، سپس با فصل الخطابی و با بیانی کاملاً ادبی و استعاری به توضیح محتوای کتاب می‌رسد؛ سپس با ابیاتی فارسی پایان می‌پذیرد. جامی در این بخش که محتوای آن حاکی از ارزش و اهمیت والای این کتاب نزد مؤلف آن است و می‌توان آن را به‌عنوان پشت جلد نسخه *نفحات الانس* در نظر گرفت، اثرش را به صف‌نشینان مجلسی هدیه می‌کند که اگر آن را قبله اقبال مقبلان خوانند رواست... و در ادامه در قالب جملات دعایی خوانندگان آن را شامل لطف ایزد متعال و دور از آفت عین‌الکمال می‌خواهد.

عنوان این بخش برگرفته از حدیث نبوی است: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ ذَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ، فَتَعَرَّضُوا لَهُ لَعَلَّهٗ أَنْ يُصَيِّبَكُمْ نَفْحَهُ مِنْهَا فَلَا تَشْقَوْنَ بَعْدَهَا أَبَدًا. در طول زندگی شما نسیم‌هایی از رحمت پروردگارتان می‌وزد. هان خود را در معرض آن‌ها قرار دهید. امید است چنین نسیمی سبب شود از این پس برای همیشه شقاوت از شما دور شود». این سخن از پیامبر اکرم (ص) حدیثی معتبر برای صوفیان بوده که مولانا هم در دفتر اول مثنوی آن را به کار برده است (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۹۱).

۲-۱-۲. پیرامتن‌های ناشری

نفعات/الانس تاکنون چندین بار به چاپ رسیده است. یکی از آن‌ها چاپ کلکته به همت کامین ناسولیس، خاورشناس انگلیسی در سال ۱۸۵۹ میلادی است. وی بر نفعات تأملی جدی کرده و در مقدمه کتاب بر پایه منابع دست‌اول شرح حال جامی را در شبه‌قاره انتشار داده است (مایل هروی، ۱۳۷۷: ۳۰۳). چاپ دیگر *نفعات/الانس* مربوط به تاشکند در سال ۱۳۳۲ ه. ق. به اهتمام ملا غلام رسول خواجه حسن و به کتابت ملا میرزا هاشم خجندی می‌باشد که از ویژگی‌های آن همراه داشتن حواشی لاری است (جامی، مقدمه عابدی، ۱۳۷۰: ۵۶). انتشارات پیوند در شهر دوشنبه تاجیکستان نیز *نفعات/الانس* را از جانب دو تن از استادان دانشگاه دولتی خجند تاجیکستان، دکتر معتبر عاقل‌اوا و دکتر بهرام میرسعیداف، زیر نظر آکادمیسین ناصرجان سلیم‌اف، رئیس کتابخانه ملی جمهوری تاجیکستان، به چاپ رسانده است (نورزاد، ۱۳۹۲: ۸۲). *نفعات/الانس* به چاپ ایران نیز یکی به تصحیح، مقدمه و پیوست مهدی توحیدی‌پور در سال ۱۳۳۶ شمسی می‌توان اشاره کرد و دیگر به تصحیح، مقدمه و تعلیقات محمود عابدی که چاپ اخیر اساس کار پژوهش حاضر قرار گرفته است. تصحیح عابدی که برای اولین بار مؤسسه اطلاعات در سال ۱۳۷۰ آن را به چاپ رسانیده، در سال ۱۳۹۴ توسط نشر سخن در ۱۲۱۶ صفحه به چاپ هفتم رسیده است. در جریان تدوین و چاپ کتاب، ناشر اختیاراتی دارد که از جمله آن تعیین قطع کتاب، قیمت، طراحی روی جلد، حروف‌چینی، پیکره‌بندی و صفحه‌آرایی است که با نظارت و دخالت وی صورت می‌گیرد. از طرفی قطع کتاب، طراحی روی جلد، قیمت و غیره همگی جزئی از پیرامتن‌ها و آستانه‌های متن محسوب می‌شوند. از این میان در رابطه با متون کلاسیک ادبیات فارسی جلد است که می‌تواند مورد تحلیل پیرامنتی قرار بگیرد؛ زیرا قطع کتاب و قیمت آن بیشتر تابع استانداردهای بازار نشر... است. نشر سخن *نفعات/الانس* را در قطع وزیری و جلدی به رنگ زرد روشن که تصویری از یک صوفی در حال سماع بر روی آن است به طبع رسانیده است.

شناسنامه کتاب یا صفحه حقوق به صفحه پشت صفحه عنوان اطلاق می‌شود که حاوی اطلاعاتی می‌باشد. از جمله این اطلاعات که در شناسنامه *نفحات/الانس* آمده است موضوعات کتاب است که شامل عارفان، سرگذشتنامه، تصوف، عرفان، نثر فارسی قرن ۹ ه.ق. است. نکته قابل توجه در این بخش عنوان دیگر کتاب است که *طبقات/الصوفیه* نامیده شده و این بنا بر نکته‌ای است که در همین بخش آمده که این کتاب بر اساس *طبقات/الصوفیه* سلمی تألیف شده است.

۲-۱-۳. پیرامتن‌های مصححی

همچنان که پیشتر ذکر شد تصحیحات مختلفی از *نفحات/الانس* موجود است و یکی از این تصحیحات مصحح محمود عابدی است که اساس کار این مقاله بر آن است. از کارهای پژوهشی ارزشمند او تصحیح *نفحات/الانس* جامی است. او برای تصحیح کتاب *نفحات/الانس* برنده کتاب سال جمهوری اسلامی شده است و همین نشانگر ارزش و اهمیت کار اوست. مصحح از جمله مهم‌ترین آفرینندگان پیرامتن‌هاست. آنچه از جانب مصحح ضمیمه *نفحات/الانس* شده و همراه با متن اصلی به چاپ رسیده است در حکم آستانه‌هایی برای ورود به متن به حساب می‌آید. این پیرامتن‌ها خوانش متن را برای خواننده تسهیل می‌نمایند. در واقع مصحح در حکم واسطه‌ای است که میان خواننده امروزی و متنی بیرون آمده از قرون پیشین قرار گرفته تا مخاطب از بین نسخ متعدد که در ادوار مختلف نوشته شده با متنی منقح و واحد روبه‌رو شود. پیرامتن‌های مصححی در *نفحات/الانس* مصحح دکتر عابدی شامل موارد زیر می‌باشد:

۲-۱-۳-۱. آغاز سخن

مصحح در این بخش در دو بند به توضیحاتی کلی پیرامون جامی و پس از آن درباره *نفحات/الانس* و ارزش آن پرداخته است. او ارزش و اهمیت این کتاب را انگیزه‌ای برای تصحیح دانسته و از فراز و فرودهای کار خود می‌گوید و در پایان از افرادی که او را در این امر یاری کرده‌اند نام برده و سپاس‌گزاری می‌کند.

۲-۱-۳-۲. صفحه نشانه‌ها و رمزها

این صفحه، از مهم‌ترین صفحاتی است که در خوانش متن به کمک خواننده می‌آید. در متن کتاب نشانه‌هایی در پاورقی آمده است که به صورت حروفی اختصاری نگاشته شده‌اند. در این صفحه نسخه‌های متعددی که مبنای کار مصحح بوده، با حروف اختصاری مشخص شده؛ زیرا در متن

کتاب از آوردن نام و نشان کامل نسخه اجتناب و در پاورقی‌ها تنها به همین حروف اشاره گردیده است.

۲-۱-۳-۴. مقدمه مصحح

متون کهن فارسی به دلیل آن که توسط مصحح تصحیح می‌شود و در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد دارای مقدمه‌ای از جانب مصحح است. غالباً مصحح در مقدمه کتاب به شیوه کار خود و معرفی نسخه‌های مختلف اثر، نسخه اساس، زندگی مؤلف و آثار دیگر او، برخی ویژگی‌های سبکی اثر و در برخی موارد نیز به ارائه تصاویری از نسخه‌های مختلفی که محور کار خویش قرار داده است، می‌پردازد. بنابراین می‌توان این مقدمه را یکی از مقدمه‌های پیرامنتی اثر نامید که نقش مهمی در شناخته شدن متن دارد. چنین مقدمه‌هایی حاکی از زحمات و مرارت‌هایی است که در تهیه و تصحیح نسخه‌های یک اثر کشیده شده است. از طرفی بیانگر دانش کسانی است که این نسخ با تکیه بر تجربیات آنان به ثمر رسیده است.

مصحح در این مقدمه تلاش کرده تا آگاهی‌های لازم که باید پیش‌زمینه ورود به متن باشد را در اختیار خواننده قرار دهد و با اطلاعاتی همه‌جانبه هرچند مختصر خواننده را از این حیث بی‌نیاز کند. مطالب این مقدمه که می‌توان آن را مهم‌ترین پیرامتن مصححی برشمرد به دو بخش قابل تقسیم است: زندگانی جامی و آثار او (کوتاه) و نفعات الانس (مفصل).

مطالبی که درباره جامی در این مقدمه آمده است شامل دوستی او با تصوف، طریق خواجگان، ارادت او به سعدالدین کاشغری و عبیدالله احرار و در آخر آثار اوست. گویی او با تأثر از شیوه جامی در تألیف نفعات بیشتر به زندگی معنوی جامی پرداخته و از آوردن جزئیات زندگی شخصی جامی پرهیز نموده است. آنچه در مورد نفعات الانس در مقدمه مصحح آمده است شامل مآخذ نفعات الانس، شیوه کار و سخن جامی، اهمیت نفعات الانس، حاشیه‌ها و ترجمه‌ها، مشخصات نسخه‌ها، شیوه تصحیح و اشاره به محتوای تعلیقات کتاب است. پس از این تصاویری از نسخه‌های مختلف نفعات نیز ضمیمه شده است.

۲-۱-۳-۵. پاورقی‌های کتاب

آنچه مصحح در پاورقی‌های نفعات الانس آورده است بنا بر تصریح خود او یکی اختلاف متن با مآخذ شناخته شده مانند اسرار التوحید، طبقات الصوفیه، کشف المحجوب و مصباح الهدایه است در

مواردی که در تصحیح متن یا رفع ابهام و توضیح مطلبی سودمند بوده باشد. دیگر این که این پاورقی‌ها به نسخه‌بدل‌ها اشاره دارند و ضبط‌های متفاوتی از متن را در اختیار خواننده قرار می‌دهند.

۲-۱-۳-۶. تعلیقات

از جمله پیرامتن‌های درونی ارزشمند در فهم متون کلاسیک ادبیات فارسی، تعلیقات آن است. مصحح در پایان مقدمه به مطالب درج‌شده در تعلیقات اشاره کرده است. این بخش که در حدود ۳۰۰ صفحه تدارک دیده شده شامل حواشی نسخه‌ها، حواشی لاری، نشانی منابع *نفحات الانس*، ترجمه اشعار و عبارات عربی و اعلام می‌باشد.

۲-۱-۳-۷. فهرست‌ها

بخش دیگری از متون که قابلیت بررسی پیرامتنی را برای ما فراهم کرده و باعث بهره‌گیری هرچه سریع‌تر و بهتر از متن شده است، فهرست‌ها هستند. خوشبختانه دکتر عابدی فهرستی جامع و دقیق در آخر کتاب ارائه داده است که شامل آیات قرآنی، احادیث، جملات دعایی، داستان‌ها، اقوال عربی، تعاریف فارسی و عربی بعضی واژه‌های ارائه‌شده در متن، اشعار فارسی و عربی، ضرب‌المثل‌ها، آداب و عادات، اصطلاحات، ترکیبات عربی، لغات و ترکیبات، سخنان مؤلف درباره خود و دیگران، القاب و اوصاف و مشاغل، نام اشخاص، توزیع جغرافیایی مشاغل، نام جای‌ها، نام کتاب‌ها و مشخصات منابع و مراجع است.

۲-۱-۴. پیرامتن‌های کاتبی

نفحات الانس علاوه بر خاتمه مؤلف در پایان نسخه، خاتمه‌ای دارد که کاتب آن را کتابت نموده است. محمد بن عبدالکریم الحسینی ضمن آوردن نام خود به عنوان کاتب اثر سال کتابت اثر را ۸۸۳ ه. ق. اعلام می‌کند و سخن را با درج یک رباعی از جامی به پایان می‌برد. این بخش را می‌توان شناسنامه نسخه قلمداد کرد. لازم به ذکر است که مصحح در زیرنویس این صفحه، خاتمه مربوط به نسخ مختلف مورد استفاده در تصحیح *نفحات الانس* را که توسط کاتبان آن‌ها نگارش یافته، آورده است (جامی، ۱۳۷۰: ۶۳۴).

۲-۲. پیرامتن‌های بیرونی

پیرامتن‌های بیرونی یا گسسته *نفحات الانس* به آستانه‌هایی اطلاق می‌شود که مجزا از متن کتاب شکل گرفته‌اند و به دو دسته مؤلفی و شخص دیگر تقسیم می‌شود.

۲-۲-۱. مؤلفی

با تعریفی که ژنت از پیرامنتیت ارائه می‌دهد می‌توان از دیدگاهی فراتر به این مسئله نگریست و به دسته‌بندی گسترده‌تری از پیرامنتیت دست یافت. پیرامتن‌ها، متن‌های آستانه‌ای یا متن‌های تبلیغی هستند که بر اساس کارکرد و آستانگی‌ای که دارند مخاطب را وارد جهان پیرامون متن کرده، وی را با جهان ناشناخته یا مغفول آشنا می‌کنند. یک متن هیچ‌گاه به‌طور ناگهان متولد نمی‌شود و بی‌مقدمه و مستقیم به مخاطب عرضه نمی‌گردد؛ بلکه همواره مقدمات و پیرامتن‌هایی وجود دارند که در خلق یا ابداع متن اثرگذار بوده، به گونه‌ای متن را در بر می‌گیرند. کارکرد پیرامتن‌های ناپیوسته تنها این نیست که مخاطب را تحریک یا تحریض نموده به دنیای درون متن بکشند و توجه مخاطب را به آن جلب کنند بلکه در منطقی جای می‌گیرد که متن را برای خواننده‌ها محدود کرده، می‌سازد؛ یعنی چارچوب آن را مشخص می‌کند. خواننده معمولاً به‌وسیله این پیرامتن‌هاست که با دنیای درون متن ارتباط برقرار می‌کند.

بر اساس نظریه بینامنتیت، یک متن، محل حضور متن‌های گوناگون است؛ این متن‌ها می‌تواند محیط اجتماع و فضای فکری فرهنگی جامعه نویسنده باشد (پیرانی، ۱۳۹۵: ۱۷۲). در مورد کتاب، محیط جغرافیایی، محیط خانوادگی و فرهنگی نویسنده، عوامل و عناصر فرهنگی، محیط آموزشی، اشخاص و هرچه که بیرون متن است، پیرامتن‌های ناپیوسته به حساب می‌آید (همان: ۱۷۴). همه این عوامل می‌توانند در ساختار و محتوای یک کتاب تأثیرگذار بوده چهارچوبی را برای یک اثر تعیین کنند. حتی دیگر آثار یک نویسنده هم در حکم آستانه‌هایی برای ورود به دنیای متن به شمار می‌روند و مطالعه و شناخت آن‌ها در درک و دریافت متن بی‌اثر نیست. مجموعه این عوامل را می‌توان در پیرامتن‌های بیرونی گنجانند، جایی که آستانه‌های منفصل که ارتباط غیرمستقیم با متن دارند بررسی می‌شوند. پیرامتن‌های بیرونی مؤلفی *نفعات الانس* مجموعه عواملی هستند که از جانب مؤلف در شکل‌گیری یک متن مؤثر واقع شده‌اند. در ادامه به بررسی مهم‌ترین این عناصر می‌پردازیم.

۲-۲-۱. پسندهای سیاسی عصر جامی

جامی شاعر و نویسنده‌ای است متعلق به قرن نهم هرات. در آن زمان در مشرق ایران سلاطین تیموری که پایتختشان سمرقند و هرات بوده حکومت می‌کردند. زندگانی جامی که با این طایفه هم‌زمان بوده است بخشی از سلطنت شاهرخ و تمام دوره سلطنت میرزا ابوالقاسم بابر و میرزا ابوسعید گورکان و بخش اعظم سلطنت سلطان حسین بایقرا را شامل می‌شود (حکمت، ۱۳۶۳: ۴). احترام و تعظیم

تیمور نسبت به مشایخ خانقاه در کتب تواریخ ضبط شده است. اعقاب تیمور نیز به پیروی از جدشان به جرگه معتقدان مشایخ پیوستند. امرا و سلاطین در هر شهر و دیار به شیخ و مرشدی متوسل می‌شدند؛ از این رو در سرتاسر ممالک تیموریان، صوفیه یکی از طبقات مهم اجتماعی گشت (همان: ۷). در این میان یک فرقه متعصب در تسنن و موافق با سلاطین زمان به نام نقشبندیه در ماوراءالنهر پدید آمد که در اواخر قرن هشتم، انتشاری زائدالوصف یافت و در بخارا و سمرقند تا اقصای خراسان و بعدها هندوستان مردم بی‌شماری به این فرقه گرویدند (همان‌جا). سلاطین پس از تیمور یعنی شاهرخ و سلطان حسین میرزا بایقرا سر ارادت به آستان مشایخ این فرقه فرود آوردند. از طرف دیگر سلاطین تیموری تمدنی در قرن نهم در شرق ایران پدید آوردند که در پرتو آن علوم مختلف رونق گرفت و قلمرو حکومت تیموریان به مهد پرورش شعرا و نویسندگان مبدل گشت. در این میان جامی که هم به نقشبندیه تعلق داشت و هم از ادیبان عصر خویش به شمار می‌آمد مورد استقبال و توجه سلاطین قرار گرفت. سلاطین و امرای معاصر جامی در خراسان یکی از مؤثرترین عوامل خلق آثار جامی بوده‌اند. به شکلی که بسیاری از آثار جامی مُصدّر به نام آن‌هاست. بروز آثار ادبی جامی از زمان سلطنت ابوالقاسم بابر شروع شده است. از جمله مهم‌ترین افراد درباری که نقش پررنگی در زندگی جامی داشته‌اند امیر علیشیر نوایی (۹۰۶-۸۴۴ ه. ق.) است. این امیر ادیب که دارای نفوذ بسیار در دربار سلطان حسین بایقرا بوده و به محبت علما و فضلا موصوف است، نسبت به جامی نیز ارادت خاصی داشته است. وی به هدایت جامی دست ارادت به نقشبندیه داد و در گسترش و تبلیغ این فرقه بناهایی ساخت. جامی بسیاری از آثار خود را بر اثر تشویق یا خواهش او تألیف نموده و در همه آن‌ها از وی به بزرگی یاد کرده است. علاوه بر آن تعدادی مراسلات منثور و قصائد و قطعات و غزلیات از جامی موجود است که در خطاب یا در جواب امیر علیشیر نوشته شده است (حکمت، ۱۳۶۳: ۳۰). جدای از این تفاسیر و تأثیراتی که این شخصیت در تألیف آثار جامی داشته است نام علیشیر نوایی از چند وجه با نفحات‌الانس به شکلی مستقیم و بی‌واسطه پیوند خورده است. یکی در مقدمه *نفحات‌الانس* نام این امیر را می‌بینیم که جامی با ارادت تمام از او نام برده و خواهش وی را از انگیزه‌های اصلی تألیف این کتاب برشمرده است. جامی از او با عنوان «محب درویشان، معتقد معتقد ایشان، از همه شغل سیر و بر فقر دلیر» یاد کرده است. دیگر «نسایم‌المحبه» اوست که ترجمه گونه‌ای به زبان ترکی جغتایی از *نفحات‌الانس* محسوب می‌شود. از دیگر اثرات پسندهای سیاسی روزگار جامی بر *نفحات‌الانس* پرهیز از ذکر افرادی است که با تیموریان دشمنی داشته‌اند

که از جمله آنان می‌توان خواجه اسحاق ختلائی و حسین خوارزمی را نام برد. ختلائی کسی بود که علیه شاهرخ قیام کرد و در ختلان به دستور او کشته شد. دلیل عدم توجه جامی به حسین خوارزمی نیز محافظه‌کاری سیاسی و حفظ موقعیت درباری-اجتماعی‌اش نزد فقیهان بازمانده از دربار شاهرخ بوده است؛ زیرا آنان خوارزمی را به خاطر غزلی تکفیر و توسط شاهرخ میرزا در هرات محاکمه کردند (مایل هروی، ۱۳۷۷:۲۴۱). این محافظه‌کاری سیاسی جامی در مورد امتناع از ذکر احوال صائن‌الدین علی ترکه اصفهانی هم دیده می‌شود؛ عارف مشهوری که در عصر شاهرخ مبعوض واقع شد. او ابتدا با عطف توجه شاهرخ میرزا، وی در شهر یزد به مسند قضا منسوب شد. بعد از چندی اطرافیان شاهرخ میرزا، موجبات بدبینی او نسبت به صائن‌الدین را فراهم کردند (همان: ۲۴۲).

۲-۱-۲. مشرب عرفانی جامی

از جمله پیرامتن‌های مهم در شکل‌گیری ساختار و محتوای آثار جامی مشرب عرفانی اوست. جامی که تحصیلات نخستینش را در هرات و سمرقند گذراند، در آغاز جوانی با بزرگان سلسله نقشبندیه آشنا شد. او مرید سعدالدین کاشغری از پیشوایان این فرقه گردید. پس از فوت وی خواجه ناصرالدین عبیدالله ملقب به خواجه احرار بر مسند ارشاد نشست که جامی همه‌جا نسبت به شیخ زمان خویش سر ارادت فرود آورده است (حکمت، ۱۳۶۳:۸). جامی بزرگ‌مردی از فرقه نقشبندیه است که تمامی ضوابط صوفیه را در آثار خویش رعایت کرده است (رضامنش و اشرف امامی، ۱۳۹۶:۸۷). در *نفحات الانس* که اغلب گزارش‌ها کوتاه است؛ آنجا که به بزرگان طایفه نقشبندیه مانند خواجه بهاء‌الدین عمر بخاری، مولانا نظام‌الدین خاموش، خواجه محمد پارسا و سعدالدین کاشغری می‌رسیم گزارش احوال با تفصیل بیشتری همراه است. پرهیز جامی از ذکر نام بعضی مشایخ در *نفحات الانس* را باید به حساب روحیه انحصارطلبی نقشبندیه گذاشت چراکه جامی و نقشبندیه هرات حضور صوفیان غیرنقشبندی را به هیچ‌روی بر نمی‌تابیدند (مایل هروی، ۱۳۷۷:۲۳۷). برای مثال علت اصلی عدم توجه جامی نسبت به شاه نعمت‌الله ولی (۸۳۲-۷۳۱ ه.ق) برخلاف عقیده تذکره‌نویسان و بعضی محققان معاصر، اختلاف مذهبی نبوده چراکه از روی قرائن تاریخی و شواهدی که از آثار و افکار شاه ولی موجود است^(۱)، نمی‌توان گفت که وی به‌طور قطع پیرو آیین تشیع بوده است؛ بلکه ریشه آن اختلاف دیرینه بین طریقه نعمت‌اللهیه و نقشبندیه بوده است که به زمان امیر سید کلال نقشبندی- از کامل‌ترین خلفای محمدبابا سماسی و خاندان کلالی که شیخ محمد بهاء‌الدین شاه نقشبند از مریدانش بوده است (جامی، ۱۳۷۰:۳۹۰)- باز می‌گردد (فرزام، ۱۳۴۳: ۵۶). به دنبال این اختلاف،

شاه ولی بعضی از پیروان نقشبندیه را به طریقه تصوف خویش دعوت می کرده است (همان: ۵۷). اختلاف و دودستگی میان پیروان دو فرقه نعمت‌اللهیه و نقشبندیه در زمان حیات جامی را هم باید بر این دشمنی دیرینه افزود.

۲-۱-۳. مذهب جامی

در قرن نهم مبانی دینی و مذهبی و اصول و قواعد کلامی به طریقه اشاعره که روش اهل سنت و جماعت است در شرق ایران به شکلی استوار برقرار بوده و مذهب رسمی سلطان زمان و دربار او به شمار می‌رفته است (حکمت، ۱۳۶۳: ۵). همچنین اصول و مبادی شیعه امامیه بیشتر در آذربایجان و کمتر در خراسان انتشار داشته است. لیکن در شهرهایی از خراسان مانند سبزوار، مشهد و ولایت غور کانون‌های قوی تشیع وجود داشته است. از این رو تاریخ مذهبی ایران در قرن نهم پر است از کشمکش مابین پیروان این دو عقیده. در تاریخ زندگی جامی که قرن نهم را شامل می‌شود این تنازع به خوبی نمایان است (همان: ۶). از نمونه‌های این کشمکش در *نصحات‌الانس* نیز مشهود است که بعضی منتقدان پس از جامی در این باره سخن‌ها گفته‌اند. در مواردی بغض مذهبی وی نسبت به عارفان شیعی عاملی بوده است که جامی نام و نشان آنان را در تذکره عرفانی خود ثبت نکند. شیخ صفی‌الدین اردبیلی و فرزندش شیخ صدرالدین و آذری اسفراینی از جمله این عارفانند (مایل هروی، ۱۳۷۷: ۲۴۴).

«جامی به علت بغضی که داشته مالک دینار را به سبب تشیع وی در *نصحات‌الانس* مذکور نساخته... با آن که کتاب *تذکره‌الاولیاء* بعد از سه کس او را نام برده و او را کامل‌ترین اولیاء شمرده. جامی از غایت عصبیت جاهلیت و عداوت دینی که با جناب شیخ آذری داشته و نقش کدورتی که از ملاحظه محبت او با خاندان نبوی بر لوح دل می‌نگاشته نام او را در کتاب *نصحات* مذکور نساخته و در کتاب *بهارستان* اظهار عداوت حق نموده و گفته که از شعرای خراسان، آذری اسفراینی است و در اشعار وی طامات بسیار است» (شوشتری، ۱۳۹۳: ۳۰۵). وی همچنین از غایت عداوت دینی تراجم بزرگان مشایخ عرفای شیعه همچون مالک دینار، سید نعمت‌الله ولی، سید محمد نوربخش و پسرش شاه قاسم نوربخش، شیخ صفی‌الدین اردبیلی و پسرش شیخ صدرالدین اردبیلی و آذری اسفراینی را در *نصحات* نیاورده است (همان: ۳۰۴).

۲-۲-۲. شخص دیگر

منظور از «شخص دیگر» شخصی به جز مؤلف اثر است که در شکل‌گیری پیرامتن‌های بیرونی نقش داشته است. تمامی پژوهش‌های صورت گرفته حول محور نفعات الانس که به گونه‌ای با این متن در ارتباط است و امکان تبلیغ یا نقد و ارتباط بیشتر با آن را فراهم می‌کند از پیرامتن‌های بیرونی این کتاب به حساب می‌آید. حال این آثار ممکن است در اشکال و چهارچوب‌های مختلفی عرضه شده باشد مانند کتاب، دست‌نوشته، کتابشناسی، ترجمه، بازنویسی، تلخیص و گزیده، پایان‌نامه، مقاله، همایش، مصاحبه. در ادامه به معرفی گلچینی از این آثار و نمونه‌های برجسته آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۲-۲-۱. کتاب‌ها

جامی از جمله شاعران و نویسندگانی است که این اقبال را داشته که از نخستین سال‌های پس از درگذشت او شاگردان، مریدان و دوستانش دست به تألیف کتاب‌هایی در احوال و آثار او بزنند. کتاب‌هایی که در رابطه با نفعات الانس نوشته شده و به نحوی باعث دریافت و شناخت بهتر نسبت به متن می‌گردد، از پیرامتن‌های بیرونی نفعات الانس به شمار می‌آیند. کتاب در همه اعصار از معتبرترین منابع کسب اطلاعات به شمار می‌رود.

دسته‌ای از این کتب درباره نفعات الانس به نگارش درآمده‌اند مانند حواشی عبدالغفور لاری، شرح درویش علی بوزجانی، حواشی محمد بن محمود دهدار شیرازی، عربیات نفعات الانس. تعدادی دیگر در خلال مباحث و موضوعات دیگر به نفعات الانس نیز پرداخته‌اند مانند مجالس المؤمنین از قاضی نورالله شوشتری، فصایح الصوفیه از محمدجعفر بهبهانی، تنبیه الغافلین و ایقاظ الراقدین از محمود بهبهانی، طرائق الحقایق از معصوم علیشاه نعمت‌اللهی شیرازی، خیراتیه از آقا محمدعلی بهبهانی و تاریخ ادبیات صفا. البته کتاب‌هایی که درباره جامی تألیف شده‌اند نیز در این دسته می‌گنجد. چه بسا در چنین کتاب‌هایی مباحثی هم درباره آثار جامی از جمله نفعات الانس مطرح شده است که معروف‌ترین آن‌ها جامی اثر نجیب مایل هروی و جامی اثر علی اصغر حکمت است. این دو با جامعیتی که دارند، تا حدی درباره جامی و آثارش مفیدند که خواننده را از مراجعه به دیگر منابع در این باره بی‌نیاز می‌کنند.

۲-۲-۲-۲. ترجمه‌ها

ترجمه یک اثر به دیگر زبان‌ها نشان‌دهنده شهرت و محبوبیت کتاب و مؤلف آن بین متکلمان آن زبان است. در واقع ترجمه یک اثر دروازه ورود مخاطبان بیشتر به آن اثر است، مخصوصاً اگر یک

کتاب از نظر محتوا و موضوع فراتر از یک زبان و محدوده جغرافیایی خاص باشد. علیشیر نوایی نخستین کسی است که *نفحات الانس* را به ترکی جغتایی برگرداند و آن را *انسائم المحبه من شمائم الفتوه* نامید. پس از او محمود بن عثمان علی ملقب به لامعی در سال ۹۲۷ ه. ق. *نفحات الانس* را به ترکی عثمانی ترجمه کرد و آن را *افتوح المجاهدین لترویج قلوب المشاهدین* نامید. لامعی با افزودن چند تن از مشایخ دیار عثمانی فهرست آن کتاب را به ۷۰۸ تن رسانده است. *نفحات الانس* یک بار در سال ۹۹۵ ه. ق. به وسیله ابواللیث محرم بن محمد زیلی و بار دیگر توسط شیخ تاج‌الدین ذکریا عثمانی نقشبندی به زبان عربی ترجمه شده است.

۲-۲-۳. گزیده و تلخیص

گزیده‌ها و خلاصه‌ها از این جهت که کتابی را با حجم اندک عرضه می‌کنند، مفیدند اما شاید برای *نفحات الانس* که هر گزارش آن خود فشرده و خلاصه‌ای است و جامعیت این کتاب، از امتیازات آن محسوب می‌شود چندان کاربردی نداشته باشد. به همین خاطر شاهد تعدد گزیده این کتاب در بازار نشر نیستیم. تنها گزیده یافت شده از *نفحات الانس*، *خلاصه النفحات* است که محمود بن حسن بن محمود آملی حدود سال ۹۲۷ ه. ق. تلخیص کرده است.

۲-۲-۴. مقالات

مقالات از دیگر پیرامن‌های بیرونی‌ای هستند که به شناخته شدن متن و ارزش‌های آن و دریافت‌های تازه از متن کمک می‌کنند. در این زمینه مقالات متعددی را می‌توان یافت که بسیاری از آن‌ها نیز در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این مقالات را می‌توان بر اساس شمول موضوع تقسیم‌بندی کرد. نخست مقالاتی که اختصاصاً به *نفحات الانس* پرداخته است و قسم دوم مقالاتی که اعم از *نفحات الانس* و آثار دیگر است.

- *نفحات الانس مولانا جامی، عبدالرؤوف بینوا (۱۳۲۲).*
- *نسخه نفحات الانس از روزگار جامی، عارف نوشاهی (۱۳۶۳).*
- *نسخه‌ای از نفحات الانس جامی، محمود عابدی (۱۳۶۷).*
- *نفحات الانس (نورالدین عبدالرحمان جامی - تصحیح دکتر محمود عابدی)، علی شهاب (۱۳۷۱).*
- *سهم زنان در تذکره اولیای عطار و نفحات الانس جامی، سید علی طالقانی (۱۳۷۷).*
- *تذکره اولیای عطار و جامی، تداوم نوشته‌های بنیادی تصوف، دنیز اگل (۱۳۷۹).*
- *شباهت مضمون در دکامرون و نفحات الانس، اردوان عطارپور (۱۳۸۴).*

- تأثیر نفحات الانس بر بانوی باغ انس، فرناز ناظرزاده کرمانی (۱۳۸۵)
- ویژگی های زبانی جامی در نفحات الانس، احمد خاتمی (۱۳۸۶)
- سهم نسخه خطی منتشر نشده «تحفه المرشدین من حکایات الصالحین» در «نفحات الانس من حضرات القدس»، مهدی تدین و مریم پرهیزکاری (۱۳۹۰).
- مروری بر نشر نوین نفحات الانس جامی در تاجیکستان، نورعلی نورزاد (۱۳۹۲)
- بررسی تطبیقی ابعاد شخصیت ذوالنون در سه تذکره (طبقات الصوفیه، تذکره الاولیاء و نفحات الانس)، حکیمه دانشور و همکاران (۱۳۹۵)
- کتابشناسی جامی، منیر اوسطی و حمید عابدیها (۱۳۹۵)

۲-۲-۵. پایان نامه ها

- از دیگر پیرامتن هایی که در ارتباط با نفحات الانس می توان از آن نام برد، پایان نامه ها هستند که هر یک با محوریت قرار دادن این کتاب در روشن کردن جنبه و وجهی از آن تأثیر گذار بوده اند. در تعدادی از این رساله ها مقایسه ای بین نفحات الانس با دیگر سرگذشتهای عرفانی صورت گرفته است.
- تحقیق در رؤیای عارفان بر اساس کتاب های تذکره الاولیای عطار و نفحات الانس جامی که مقاله هم با همین عنوان چاپ شده است، اکرم هدایتی شاهی، به راهنمایی محمد کاظم کهدویی، دانشگاه یزد (۱۳۸۸).
 - بررسی شیوه های تربیت و کمال بخشی در کتب صوفیه با تکیه بر اسرار التوحید، تذکره الاولیاء و نفحات الانس، محمد یحیایی، به راهنمایی علی صفایی، دانشگاه گیلان (۱۳۹۰).
 - مبانی تربیت در داستان های صوفیه بر پایه تذکره الاولیاء و نفحات الانس و طبقات الصوفیه، طیبه نصیری، به راهنمایی تقی اجیه، دانشگاه اصفهان (۱۳۹۰).
 - مقایسه و نقد حکایت های تذکره الاولیای عطار و نفحات الانس جامی از دیدگاه تاریخی، اجتماعی و اندیشه های عرفانی، حسن توفیقی، به راهنمایی عباس محمدیان، دانشگاه تربیت معلم سبزوار (۱۳۹۲).
 - مقایسه آموزه های کشف المحجوب، نفحات الانس، الفرج بعد الشده و روضه العقول با نظریات جدید در روان شناسی شخصیت، معصومه سامانی، به راهنمایی احمد حسنی رنجبر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (۱۳۹۳).

- تأثیر قرآن و حدیث در *نفحات الانس* جامی، قمرناز ابراهیم‌زاده، به راهنمایی ابراهیم رحیمی زنگنه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه (۱۳۹۳).
- بررسی تحلیل ساختار و محتوای سرگذشت‌نامه‌های عرفانی تا قرن نهم، فریبا معینی نجف‌آبادی، به راهنمایی علیرضا فولادی، دانشگاه کاشان (۱۳۹۳).
- طبقه‌بندی موضوعی حکایت‌های عرفانی در سه اثر (تذکره‌الاولیاء، *نفحات الانس* و *طبقات الصوفیه*)، سمیه برات‌پور، به راهنمایی علی تسنیمی، دانشگاه تربیت معلم سبزوار (۱۳۹۴).

۲-۲-۶. همایش‌ها و مصاحبه‌ها

از جمله همایش‌های برگزار شده درباره جامی عبارت‌اند از:

بخش زبان فارسی دانشگاه علوم انسانی استراسبورگ (فرانسه) به منظور بهتر آشنا شدن تفکر و ادبیات ایران اقدام به برگزاری همایش بین‌المللی در این زمینه کرده است. در کتابی مجموعه مقالاتی که در دو همایش مختلف درباره عطار، جامی و خیام، به ترتیب در آوریل ۱۹۹۶ (۱۳۷۵) و آوریل ۱۹۹۹ (۱۳۷۸) در بخش زبان فارسی این دانشگاه با کمک مرکز نشر دانشگاهی برگزار شدند، ارائه شده است.

«اولین کنگره بین‌المللی عبدالرحمن جامی» در سال ۱۳۹۵ از سوی اداره نشر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران منتشر گردیده است و مجموع مقالات آن در دو جلد به چاپ رسیده است. مقاله بررسی سیمای زن در *نفحات الانس* و *سلامان ابدال جامی* از نیلوفر نیک سیر از جمله مقالاتی است که با محوریت *نفحات الانس* جامی در این مجموعه مقالات به چاپ رسیده است. همایش‌های ادبی با محوریت موضوعاتی که مورد غفلت بوده‌اند و اکنون توجه بیشتری می‌طلبند، می‌تواند به غنای هرچه بیشتر ادبیات فارسی بینجامد. در میان پژوهش‌های ارائه شده در همایش‌های مرتبط با جامی، نقش *نفحات الانس* بسیار کم‌رنگ است. اغلب مقالات ارائه شده درباره دیگر آثار به‌ویژه اشعار جامی است. هرچند که مقالاتی که درباره احوال و آثار و جهان‌بینی جامی ارائه شده‌اند می‌توانند راهگشای فهم تمامی آثار وی باشند.

۲-۲-۷. دست‌نوشته‌ها

علاوه بر نسخه‌هایی که در جریان تصحیح این متن در دسترس مصحح قرار گرفته است بسیاری از دست‌نوشته‌ها هستند که توسط کاتبان مختلف و در قرون گوناگون مورد استنساخ قرار گرفته‌اند

و نمی‌توان ارزش و اهمیت آن‌ها را نادیده گرفت. این دست‌نوشته‌ها نیز نسبت به *نفعات الانس* رابطه پیرامنتی دارند. همچنین بررسی دست‌نوشته‌ها و بررسی پیرامنتی این نسخه‌ها و مورد توجه قرار دادن آن‌ها یکی از جنبه‌هایی است که ظرفیت آن در سابقه ادبی ما موجود است و شاید کمتر ملتی از این ظرفیت پیرامنتی در آثار ادبی خود برخوردار باشد. مصحح به‌عنوان واسطه‌ای بین نسخه‌ها و خواننده قرار می‌گیرد و کار را برای درک و دریافت بهتر از متن هموار می‌سازد و خواننده امروزی را از مراجعه به نسخه‌های متعدد برای دسترسی به مطمئن‌ترین ضبط از کتاب بی‌نیاز می‌کند.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام‌گرفته می‌توان نتیجه گرفت با توجه به نظریه ترامنتیت ژرار ژنت، *نفعات الانس* جامی دارای پیرامنت‌هایی است که تبیین نقش و جایگاه آن‌ها در ارتباط با متن، راهی نو برای درک و دریافت متن به‌سوی مخاطب می‌گشاید. پژوهش حاضر با بررسی پیرامنت‌های درونی و بیرونی این اثر، به این دستاورد انجامید که هر یک از این پیرامنت‌ها با ارائه اطلاعاتی درباره متن اصلی، از طرفی فهم و دریافت مخاطب را عمق می‌بخشند و از سوی دیگر مخاطب را در چگونگی استفاده از این اثر راهنمایی می‌کنند.

این پیرامنت‌ها در دو دسته بیرونی و درونی گنجانده شدند. پیرامنت‌های درونی این اثر که متصل به متن کانونی‌اند توسط مؤلف، کاتب، ناشر و مصحح شکل گرفته‌اند و هر کدام به‌نوبه خود راهنمای مخاطب واقع شده‌اند به گونه‌ای که بدون حضور این عوامل خوانش متن متعسر خواهد بود. در این میان جامی به‌عنوان مؤلفی ماهر و مجرب در تدارک مقدمه کتاب کوشیده است به‌طوری که این بخش همه اجزای پیشنهادی یک طرح پژوهشی را داراست. همچنین وضع نام این اثر با بیانی مجازی و عنوان بخش‌ها متناسب با محتوای آن بوده، به‌وضوح نماینده نوع ادبی این کتاب است. مصحح این اثر نیز در نقش واسطه‌ای میان نسخ خطی دوره‌های قبل و مخاطب امروزی، متنی منقح را همراه با اطلاعات موردنیاز در اختیار خوانندگان قرار داده است.

از شرایط زندگانی و ویژگی‌های اجتماعی-سیاسی عصر مؤلف می‌توان با عنوان پیرامنت‌های بیرونی این اثر که از جانب مؤلف در شکل‌گیری این کتاب مؤثر بوده‌اند یاد کرد. این عوامل هر کدام در جهت‌دهی به ساختار و محتوای *نفعات الانس* نقشی ایفا کرده‌اند. دیگر پیرامنت‌های بیرونی *نفعات الانس* را اشخاصی به‌جز مؤلف آفریده‌اند که همگی زمینه ارتباط بیشتر با متن و نقد

و تبلیغ آن را فراهم نموده‌اند و در چارچوب‌های گوناگون مانند کتاب، دست‌نوشته، ترجمه، بازنویسی، تلخیص و گزیده، پایان‌نامه، مقاله، همایش، مصاحبه عرضه شده، هر کدام جنبه‌ای از این اثر را روشن می‌نمایند. همچنین این آثار نشانگر محبوبیت و اعتبار این اثر بزرگ کلاسیک ادبیات فارسی است. تمامی پیرامتن‌های این کتاب اهمیت و آستانگی یکسان ندارند؛ در میان این همه، پیرامتن‌های مؤلفی و پس از آن مصححی در خوانش متن از اهمیتی ویژه برخوردار است چراکه توسط افرادی که به متن بسیار نزدیک‌اند شکل گرفته است. در مقابل تعدادی از پیرامتن‌های *نقحات/الانس* مناسبت و موضوعیت و نقش کمتری در درک و دریافت خواننده امروزی دارند؛ مانند قطع و حروف چینی و نسخه‌های خطی موجود.

یادداشت‌ها

۱- دلایل اعتقاد شاه ولی به تسنن و رد شیعه بودن وی: تشیع در ایران در قرن هشتم و نهم رواج نداشته است، وی مرید و معتقد عبدالله یافعی - مورخ، صوفی و شاعر شافعی یمنی قرن هفتم و هشتم - بوده است، به شیخ محی‌الدین عربی که مردود اهل تشیع است ارادت داشته است، سلسله مشایخ و نسبت خرقه شاه ولی به تصریح خود او به شیخ احمد غزالی و حسن بصری که محل انکار اهل تشیع‌اند، می‌رسد، بسیاری از اشعار و آثار شاه ولی دال بر اعتقاد او به سنت است، مانند:

ره سنی گزین که مذهب ماست ورنه گم گشته‌ای و در خللی

شواهد دال بر اختلاف نعمه‌اللهیه و نقشبندیه: سوءظن تیمور به شاه ولی بر اثر کثرت مریدان وی و سعایت سید کلال نقشبندی از او نزد تیمور را اغلب تذکره‌نویسانی که به احوال شاه ولی اشاره کرده‌اند، آورده‌اند، مانند عبدالرزاق کرمانی، صنع‌الله نعمه‌اللهی، ملا محمد مفید مستوفی بافقی، رضاقلی خان هدایت و معصوم علی نعمه‌اللهی. اختلاف شاه ولی با نقشبندیه از آثار او نیز پیداست، مانند:

بی تکلف نعمه‌الله را بجوی وز خیال نقشبندان در گذر (ر. ک. فرزام، ۱۳۴۳).

منابع

- ۱- ابراهیم‌زاده، قمرناز (۱۳۹۳). تأثیر قرآن و حدیث در *نفحات الانس جامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
- ۲- اسفرازی، معین‌الدین محمد (۱۳۳۸). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، بسعی و اهتمام محمد اسحاق، کلکته: علیگر.
- ۳- آگل، دنیز (۱۳۷۹). «تذکره‌الاولیای‌های عطار و جامی، تداوم نوشته‌های بنیادی تصوف»، ترجمه عبدالمحمد روح‌بخشان، معارف، شماره ۳، صص ۱۹۷-۱۵۸.
- ۴- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*، ج ۷، تهران: سخن.
- ۵- برامکی، سارا (۱۳۹۴). «رابطه ترامنتی عنوان‌های متون نثر تاریخی از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره افشاریه»، *جستارهای زبانی*، شماره ۵، پیاپی ۲۶، صص ۹۶-۷۳.
- ۶- بوزجانی، درویش علی (۱۳۴۵). *روضه الریاحین*، با مقدمه و تعلیقات به کوشش حشمت مؤید، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۷- بهبهانی، محمدجعفر بن محمدعلی (۱۳۷۲): *فضایح‌الصوفیه به ضمیمه تنبیه‌الغافلین و ایقاظ‌الراقدین*. تألیف محمود بن آقا محمدعلی، قم: انصاریان.
- ۸- پورجوادی نصرالله (۱۳۸۳). «دیباچه: مجلس انس نویسنده و خواننده»، *آیینه میراث*، سال دوم، شماره ۲۷، صص ۱۴۰-۱۲۳.
- ۹- پیرانی، منصور (۱۳۹۵)، «متن‌های آستانه‌ای در پیوند با ادبیات تطبیقی»، پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، شماره ۳، صص ۱۹۷-۱۶۷.
- ۱۰- تدین، مهدی و پرهیزکاری، مریم (۱۳۹۰). «سهم نسخه خطی منتشرنشده تحفه‌المرشدین من حکایات‌الصالحین در *نفحات الانس من حضرات القدس*»، پژوهشنامه فرهنگ و ادب، شماره ۱۱، صص ۱۱-۳۲.
- ۱۱- توفیقی، حسن (۱۳۹۲). *مقایسه و نقد حکایت‌های تذکره‌الاولیای عطار و نفحات الانس جامی از دیدگاه تاریخی، اجتماعی و اندیشه‌های عرفانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه حکیم سبزواری.
- ۱۲- جامی، عبدالرحمن بن احمد (۱۳۴۱). *دیوان کامل جامی*، ویراسته هاشم رضی، تهران: پیروز.
- ۱۳- _____ (۱۳۷۰). *نفحات الانس من حضرات القدس*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، تهران: اطلاعات.
- ۱۴- حسن‌پور، عباس؛ عباسی مقدم، علیرضا (۱۳۹۲). «درنگی در تحمیدیه طالب آملی و ریخت‌شناسی آن»، *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، شماره ۱۰۸، صص ۲۹-۲۸.
- ۱۵- حکمت، علی‌اصغر (۱۳۶۳). *جامی*، تهران: توس.

- ۱۶- خاتمی، احمد (۱۳۸۶). «ویژگی های زبانی جامی در نفحات الانس»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، دوره ۵۸، شماره ۱۸۴، صص ۶-۴۳.
- ۱۷- خدیور، هادی و فاطمه شریفی (۱۳۸۹). «تأثیرپذیری جامی از شعرا و نویسندگان پیش از خود در آفرینش مثنوی هفت اورنگ»، *مطالعات نقد ادبی (پژوهش ادبی)*، شماره ۲۰، صص ۷۹-۱۱۹.
- ۱۸- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۸۷). *مکارم الاخلاق*، به تصحیح و تحقیق علی اکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب.
- ۱۹- داداش‌نژاد، منصور (۱۳۹۰). «زندگانی دوازده امام (ع) در کتاب شواهدالنبوه جامی»، *مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ*، سال ۴۳، شماره پیاپی ۸، صص ۶۷-۵۱.
- ۲۰- دانشور، حکیمه و محمد تقوی و مریم صالحی‌نیا (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی ابعاد شخصیت ذوالنون در سه تذکره (طبقات الصوفیه، تذکره الاولیا و نفحات الانس)»، *ادبیات عرفانی*، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ - شماره ۱۵، صص ۹۳-۱۲۴.
- ۲۱- دلیر، زهرا (۱۳۹۶). *بررسی درون مایه های ادبیات عامیانه در حکایت های عرفانی نفحات الانس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، دانشگاه بیرجند.
- ۲۲- دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵)، *لغتنامه*، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا.
- ۲۳- رشتیانی، گودرز (۱۳۹۰). «دیباچه‌نویسی متون تاریخی افشاریه؛ تداوم و تحول در یک سنت تاریخی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دوره جدید*، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، سال ۲۱، شماره ۸، صص ۳۷-۹۱.
- ۲۴- رضامنش، رؤیا و علی اشرف امامی (۱۳۹۶). «بررسی سیر و سلوک هشت گانه طریقه نقشبندیه در هفت اورنگ جامی»، *عرفانیات در ادب فارسی*، شماره ۳۳، صص ۱۲۲-۸۶.
- ۲۵- روضاتیان، سیده مریم و طالبی، فاطمه (۱۳۹۷)، «بررسی پیرامتن‌های غیرمؤلفی و بیرونی تذکره‌الاولیاء»، *اولین همایش بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی*.
- ۲۶- سامانی، معصومه (۱۳۹۳). *مقایسه آموزه‌های کشف‌المحجوب، نفحات الانس، الفرج بعدالشدیه و روضه‌العقول با نظریات جدید در روان‌شناسی شخصیت*، پایان‌نامه دکتری *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی*.
- ۲۷- سبزیان‌پور، وحید و فرزانه فتحیان (۱۳۹۱). «بررسی سرچشمه های حکایات روضه نخستین بهارستان جامی»، *پژوهشنامه نقد ادبی*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۹۸-۷۳.
- ۲۸- ستوده غلامرضا و محمدباقر نجف‌زاده بارفروش (۱۳۶۵). *تحمیدیه در ادب فارسی*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- ۲۹- سجادی، ضیاء‌الدین (۱۳۷۲). *دیباچه‌نگاری در ده قرن*، تهران: زوار.

- ۳۰- سلیمی کوچی، ابراهیم (۱۳۹۶). «نقش عناصر پیرامنتی در توسعه دریافت و فهم متن مثنوی»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۲۶۸-۲۴۹.
- ۳۱- شهاب، علی (۱۳۷۱). «نفحات الانس (نورالدین عبدالرحمان جامی - تصحیح دکتر محمود عابدی)»، کلک، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۲۲۲-۲۲۱.
- ۳۲- شوشتری، نورالله (۱۳۹۳). «مجالس المؤمنین، ج ۱، مقدمه، تصحیح و تعلیقات ابراهیم عرب پور و دیگران، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی».
- ۳۳- طالقانی، سید علی (۱۳۷۷). «سهم زنان در تذکره الاولیای عطار و نفحات الانس جامی»، نگاه حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، صص ۱۷-۱۶.
- ۳۴- عابدی، محمود (۱۳۶۷). «نسخه‌ای از نفحات الانس جامی»، تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، شماره ۱۳، صص ۱۱۰-۱۰۶.
- ۳۵- عطارپور، اردوان (۱۳۸۴). «شبهات مضمون در دکامرون و نفحات الانس»، حافظ، شماره ۱۵، صص ۴۲-۴۱.
- ۳۶- غفاری، سحر (۱۳۹۴). «تأثیر پیرامتن‌ها در شکل‌گیری یا تحریف معنای متن: بررسی دوگانگی رمان شطرنج با ماشین قیامت از دریچه پیرامتن‌ها»، نقد ادبی، سال ۸، شماره ۳۲، صص ۱۰۴-۸۵.
- ۳۷- فرزام، حمید (۱۳۴۳). «اختلاف جامی با شاه ولی»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۱، صص ۵۷-۴۸.
- ۳۸- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۱). «احادیث و قصص مثنوی، ترجمه و تنظیم حسین داوودی، تهران: امیرکبیر».
- ۳۹- کرمی، محمدحسین و حشمت آذر مکان (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی تحمیدیه‌های چهار لیلی و مجنون»، گوهر گویا، سال ۲، شماره ۷، صص ۳۷-۱.
- ۴۰- کهدونی، محمد کاظم و اکرم هدایتی شاهی (۱۳۸۹). «خداوند در رؤیاهای عارفان»، ادبیات عرفانی، دوره ۲، شماره ۳، صص ۶۸-۵۶.
- ۴۱- لاری، رضی‌الدین عبدالغفور (۱۳۹۶). «تکمله نفحات الانس، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، تهران: میراث مکتوب».
- ۴۲- لعلی بدخشی، میرزا لعل بیگ (۱۳۷۶). «ثمرات‌القدس من شجرات الانس، مقدمه، تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سید جوادی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی».
- ۴۳- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۷). «جامی، تهران: طرح نو».
- ۴۴- معین، محمد (۱۳۶۲). «فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر».
- ۴۵- معینی نجف‌آبادی (۱۳۹۳). «بررسی تحلیل ساختار و محتوای سرگذشت‌نامه‌های عرفانی تا قرن نهم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه کاشان».

- ۴۶- موسی‌وند، نسرین (۱۳۸۷). تصحیح نسخه خطی حدیقه‌القدس و روضه‌الانس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور مرکز تهران.
- ۴۷- نامورمطلق، بهمن (۱۳۸۶). «ترامنتیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۶، صص ۹۸-۸۳.
- ۴۸- _____ (۱۳۹۴). درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها، تهران: سخن، چاپ دوم.
- ۴۹- نصیری، طیبه (۱۳۹۰). مبانی تربیت در داستان‌های صوفیه بر پایه تذکره‌الاولیا و نفحات‌الانس و طبقات‌الصوفیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- ۵۰- نورزاد، نورعلی (۱۳۹۲). «مروری بر نشر نوین نفحات‌الانس جامی»، گزارش میراث، شماره ۵ و ۶، صص ۸۲-۸۳.
- ۵۱- واعظ کاشفی، فخرالدین علی بن حسین (۱۳۵۶). رشحات عین‌الحیات، با مقدمه، تصحیح، حواشی و تعلیقات علی اصغر معینان، تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی.
- ۵۲- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان (۱۳۹۳): کشف‌المحجوب، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، تهران: سروش، چاپ نهم.
- ۵۳- هدایت، رضاقلی بن محمد هادی (۱۳۴۰). مجمع‌الفصحاح، ج ۱، به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.
- ۵۴- هدایتی شاهی، اکرم (۱۳۸۸). تحقیق در رؤیای عارفان بر اساس کتاب‌های تذکره‌الاولیای عطار و نفحات‌الانس جامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.
- ۵۵- یحیایی، محمد (۱۳۹۰). بررسی شیوه‌های تربیت و کمال‌بخشی در کتب صوفیه با تکیه بر اسرارالتوحید، تذکره‌الاولیاء و نفحات‌الانس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان.

56- Genette, Gerard (1987). *Seuils*, Paris: Seuil.